

دای قاسم

(پژوهشی در خیالپردازی)

تألیف: روبرت زمانه نایینی

ویراستار: ثریا اندرز

سرشناسه	زمانی نایبی، رسول، ۱۳۵۱-
عنوان و نام پدیدآور	دایی قاسم / رسول زمانی نایبی
مبلیخصات نشر	تهران: مگستان، ۱۳۹۵.
مبلیخصات ظاهری	۲۳۷ص، ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م
شابک	۱۲۰۰۰۰ ریال: 978-600-7570-22-7
سعییت فهرست نویسی	فیا
موضوع	داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	Persian fiction -- 20th century
رده بندی ده	۱۳۹۵۸۳۴۶PIR ۱۳۷۲/م
رده بندی دیر	۶۲/۳۷۹
شماره کتابشناسی	۴۲۳۷۰۳۱



سازات
مگستان

دایی قاسم

پژوهشی در خیالپردازی

تالیف: رسول زمانی نایبی

ویراستار: ثریا انداز

صفحه‌آرایی: احمد علیپور

طرح روی جلد: ثریا انداز

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

شابک: ۷-۲۲-۷۵۷۰-۶۰۰-۹۷۸

مرکز پخش:

تهران- اول کارگر جنوبی- کوچه سروود- پلاک ۱۰ واحد ۶ تلفن: ۸۸۲۴۹۹۵۶

فهرست

۷	 مقدمه
۱۱	 فصل اول: رد پای درویش
۳۷	 فصل دوم: یاور
۳۹	 فصل سوم: آشپزخانه
۴۹	 فصل چهارم: در جستجوی حقیقت
۶۷	 فصل پنجم: فرشته هم‌راری دارد
۷۹	 فصل ششم: ناصر به سفر می‌رود
۹۵	 فصل هفتم: سونای
۱۱۳	 فصل هشتم: پدردرمیان آدمهایی به دوش دارند
۱۲۹	 فصل نهم: محسن خان از گذشته‌ها می‌گوید
۱۴۳	 فصل دهم: بازگشت به تهران
۱۵۵	 فصل یازدهم: ازدواج با مهرنوش
۱۶۹	 فصل دوازدهم: سفر به شیراز
۱۸۱	 فصل سیزدهم: حمید نمادیان
۱۹۹	 فصل چهاردهم: ملاقات با حسن خان مولانی
۲۱۱	 فصل پانزدهم: دیدار با اصطلان بیگ
۲۲۹	 فصل شانزدهم: در کنار دریاچه

مقدمه

خیال پر بازی را مناسبیم به جای آنکه مردودش کنیم، اول بیایم و درکش کنیم. دو اثر با خیالات زندگی کنیم. اول آن را بتراشیم و سپس تزئینش کنیم. با حدود تکرار کنیم کلمه‌ای را که دیگران نمی‌گویند. هم نمی‌گویند و هم پنهان می‌کنند. چون تصور می‌کنند که متهم خواهند شد. متهم به این که خیالباء و خیال پردازند. آن هم در دنیایی که جابجایی یک همزه و یک «ی» را حتی یک اشتباه ساده با تمسخر و ریشخند مواجه است، چه این که لفظ خیالباف برای کسی به کار گرفته شود. آیا این که از خیالپردازی گفته شد، حقایق ادبی است و یا از همان ابتدای راه، سخن از داستان دیگری است؟ شاید هم سخن از گشودن رازی برای خواننده در میان باشد؟ به هر حال خیال هم یک داستان است. داستانی بلند از زندگی آدمهایی در گذشته‌ای که پنداندن دور، آدمهایی که هنوز به دنیا نیامده اند. سخن از پدیده‌هایی است که ایجاد نشده اند و ذهنی که بتواند خالق آنها شود.

به بیان دوستان، خیال، فاصله گرفتن از دشمنی است و به بیان دشمنان، خیال، قدرت گرفتن رقیب است. متن اولیه را در خیال، ذهن می‌سازد، اما مواد مورد لزوم را چه کسی در اختیار خیالپرداز قرار می‌دهد؟

آیا خیال، منبعی درونی دارد؟ یا که نیرویی ماورائی، سمت و سوی رفتنش را از قبل های قبل از این مشخص کرده است؟ تا چه کسی به این پرسش جواب دهد و کدام نظر را بشنویم.

در جهان خیال می توان جای هر نامی را با نامی دیگر عوض کرد و سبب نمود تا واقعهای را که آشناست، از دل داستانی که گفته می شود بیرون آورده و آن را با حادثه ای که رخ داده و وقوع آن در همین نزدیکی بوده پیوند داد. زیرا که عموم باور دارند موضوع خیال و خیالپردازی امری است واجب. البته اگر داستان آن، سیری منطقی و استدلالی محکم در دل خود جای داد باشد این عموم تا جایی در این تفکرات خود پیش رفته اند که خواننده آن تصور کند، مطالب ثبت شده در دل هر خیالی بیش از یک داستان معمول نیست. این عموم، بیان می دارند که خواننده در سطرهایی از خیال، خود را خرابه ها، در مقابل این عموم، کسان دیگری هم هستند. کسانی که خیال را پر از منه ترازد دسترسی های همگانی می دانند. این خیالپرداز است که پرواز می کند، اما تعداد همراهانش کم هستند؛ یک پژوهش علمی مزم است تا روشن شود بیشتر یافته های علمی توسط آدمها، آغازی نشأت گرفته از یک خیال ساده داشته است. چه آن دسته از کشفیاتی که تا کنون در عرصه زندگی عمومی پیدا شدند و چه آنهایی که بعدها یافته خواهند شد. اول در محدوده های خیالپردازانه در یک مغز شکل گرفته اند؛ یا شکل خواهند گرفت.

ظاهراً ما آدمها نیاز به انجام پژوهشی داریم که در محدوده های خیال انجام شود؛ مرزهای بین خیال و واقعیت را روشن کرده و محدوده های ورود مجاز را در آن ترسیم کند. شاید هم همین نوشته، یک قدم ساده به

سمت حرکت به آن هدف باشد. شاید که خیال، ارتباطی هم با موضوعات مطرح روز و جامعه داشته باشد.

در همین پژوهش به زودی شاهد خواهیم نمود که برای کسب شناخت از خیال، مشکلاتی هم با ما خواهد بود. همچنان که در طی راه، خطا هم هست، اما رفع خطا هم می‌شود کرد. البته اگر دوستانی که صاحب نام و قلم و آگاهی هستند؛ به این پژوهشگر ساده کمک کنند. کمک کنند تا راه درست رفته شود و خیالات نویسندگان بر یک پژوهش علمی غالب گردد. البته نمی‌شود پنهان کرد که تا اینجای کار نیز بسیاری از ادیبان محترم فن در اندازه‌های ممکن یاری نموده‌اند. هر چند که می‌توانیم راه، هنر و دراز است و دشوار. باید هم چنین اعتراف کنیم ورود به محدوده‌های خردپردازی دشوار است. شاید هم برای من دشوار باشد که ایرانی ام زیرا که در بین ملل دیگر مجوزهای لازم در بطن جامعه پذیرش دارند. با این روش، سعی بنده در این نوشته حرکتی برای به وجود آوردن یک اثر ملموس و نزدیک به درکی مشترک با دیگران در موضوع خیالپردازی است.

خیالپردازی امری همیشه موجود است و از موهبت خود نیز دفاع می‌کند. با این وجود، راه ما کمی دشوار است. منع فرهنگی و اجتماعی داریم؛ منابع نیز ناقص است. مراجعه به تجارب عمری بزرگان نمی‌باشد. قصه‌ها نیز خیالپردازانه‌اند اما رنگ واقعی گرفته‌اند. همه به نوعی پنهانکاری می‌کنیم تا کسی به ما خیالباغ نگوید. پس با وجودی که هدف مشخص است، اما رسیدن به آن دشوار می‌باشد. اگر در راه رسیدن به تمامی زوایای موجود در راه هدف، موفق نبوده‌ام به دلیل تازگی در شیوه‌ای است که به کار گرفته‌ام؛ شیوای که خیال را تجربه کنم. آن را

بنویسم و از آن، مخلوقی را خلق کنم. در سطر های این نوشته، این را خوانندگان به زودی متوجه خواهند شد که خیالپردازی، بیان یک حالت مشابه با دیگر حالات بشری نیست. موضوعی است که با وجود ملموس بودن آن در جامعه تا به حال کاری را که جوابگوی نیاز باشد، به خود ندیده است. به هر حال دایره‌ای دارد که پر کردن آن به توانایی اساتید من برزمنند است.

پژوهش خیال کمک می‌طلبد؛ یاری می‌جوید تا که شکل بگیرد و جای خرد را در بنده های اجتماعی، از ادبیات و هنر تا صنایع و کشاورزی، شاید هم در سیاست و تجارت باز کند. به وضوح دیده می‌شود که رسیدن به تمامی اینها و عبور در این پژوهش از چهار چوب توانایی های شخصی بنده فراتر است، اما به عنوان یک شروع، این نوشته، نکات مثبتی نیز دارد. به امید این که سانس های موجود در این اثر مورد بخشش بزرگان و اساتید قرار گیرد، زیرا که این پژوهش فقط یک آغاز در این راه است، نه چیزی کمتر و نه چیزی بیشتر از آن.

لطفاً نظریات و پیشنهادات خود را با ایمیل زیر

rasool_zamani_naeiny@yahoo.com

به اطلاع نویسنده برسانید.